

## فرایند اسلامی شدن دانشگاهها

گفتگویی با دکتر غلامعلی افروز<sup>۱</sup>

آقای دکتر در آغاز مصاحبه به عنوان مقدمه در خصوص اسلامی شدن

دانشگاهها اگر مطلبی دارید، بفرمایید؟

دانشگاهها به مثابه عالی‌ترین جایگاه تبلور اندیشه‌ها و تعالی افکار، مناسب‌ترین بستر پدیدایی خلاقیتها و نوآوریها و دستیابی به بالاترین قله‌ی علوم و فنون و مطلوب‌ترین سنگر پاسداری از ارزشها؛ بیشترین مسؤلیت را در اصلاح و هدایت جامعه بر عهده دارند. به همین دلیل است که امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند: اگر دانشگاه اصلاح بشود، جامعه اصلاح می‌شود. و از همین روست که رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، مکرراً، از سویدای دل بر اصلاح و اسلامی کردن دانشگاهها تأکید می‌فرمایند.

اما سخن این است که چه باید کرد؟ ویژگیهای دانشگاه اسلامی چیست؟ نگرش اسلام نسبت به علم و منزلت عالم و فرایند تعلیم و تعلم کدام است؟ وضع موجود دانشگاههای ما چگونه است؟ مؤثرترین روشهای انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب چگونه باید باشد؟ پرچمداران نهضت اسلامی کردن دانشگاهها چه کسانی باید باشند؟ آیا زبان مشترکی میان تمامی آنان که داعیه‌ی اسلامی کردن دانشگاهها را (از نظر "معنا و مفهوم" اسلامی کردن دانشگاهها) دارند، وجود دارد؟

۱. عضو هیات علمی دانشگاه تهران.

نقش خانواده‌ها در این ارتباط چیست؟ نظام آموزشی پیش از دانشگاه، از مرحله‌ی پیش دبستانی تا دبیرستان، در فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها چه نقش و تأثیری دارد؟ رسانه‌های ارتباط جمعی فراگیر، مجموعه‌ی باورها، نگرش‌ها، باوردها و فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه را چگونه می‌توان با اندیشه‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها همسو کرد؟ و

واقع امر این است که پاسخ دادن به همه‌ی این سؤالات و دهها سؤال مشابه دیگر، کار آسانی نیست و به دور از شعارها و سطحی نگرینها، نیاز به تأمل، تفحص و ریزنی و شور و مشورت بسیار دارد. بارها رهبر حکیم انقلاب اسلامی، با بیان اصلی‌ترین مسائل دانشگاه‌ها و تبیین ضرورت‌ها، همه‌ی دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی و دانشگاهی را به تأمل و تفکر و چاره‌اندیشی فراخوانده‌اند.

#### از نظر شما هدف اصلی از اسلامی کردن دانشگاه‌ها چیست؟

در یک نگاه کلی، هدف اصلی از اسلامی کردن دانشگاه‌ها را می‌توان در هدفهای تعلیم و تربیت اسلامی خلاصه نمود. هدف غایی در تعلیم و تربیت اسلامی، به فلاح رسیدن انسان است. به فلاح رسیدن یعنی به نهایت رشد و کمال انسانی دست یافتن و تقرب به حق؛ به فلاح رسیدن یعنی آزادی از اله‌ها، بریدن از وابستگی‌ها و پیوند با الله و شکوفا شدن همه‌ی جوانه‌های وجود. به فلاح رسیدن یعنی به فعلیت رسانیدن همه‌ی استعدادهای بالقوه، ظهور خلاقیت‌های ذهنی و نهایت خود شکوفایی انسان، و به فلاح رسیدن یعنی متبلور شدن همه‌ی ارزشهای والای قرآنی در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان.

و دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن همه‌ی ارزشهای متعالی اسلامی و فرهنگ قرآنی، برترین اندیشه‌های علمی، خلاقیت‌های ذهنی، نوآوریهای علمی و تولیدات فکری در رفتار و شخصیت دانشجویان، به مثابه الگوهای مطلوب اجتماعی پدیدار می‌گردد. و این دانشگاه به عنوان ارزشمندترین، پویاترین و رفیع‌ترین منبع فرهنگی، محل توجه و مورد تأسی همه‌ی قشرهای جامعه، به ویژه نوجوانان می‌شود. چرا که اساسی‌ترین رسالت دانشگاه، در کنار دانش‌افزایی عمومی

و تربیت و تأمین کارشناس و نیروی متخصص مورد نیاز نهادها و دستگاههای مختلف کشور؛ همانا انجام پژوهشها و چالشهای علمی و تلاش در جهت به دست گرفتن سرنخ علوم و فنون نو، تکیه برکرسیهای رشته‌های گوناگون علمی، تولید فکر تازه و افزودن حلقه‌های جدید به زنجیره‌ی فرآورده‌ها و یافته‌های تحقیقاتی و علوم دنیای معاصر است.

حقیقت این است که دانشگاه اسلامی بدون استقرار در قله‌های علمی و ارائه‌ی تولیدات برتر فکری، نمی‌تواند معنا و مفهومی در خور داشته باشد.

### در مورد اسلامی کردن دانشگاهها چه مسائل و برنامه‌هایی در خصوص دانشجویان بعنوان یکی از ارکان اصلی دانشگاه اسلامی، بایستی مد نظر قرار گیرد؟

بررسی تحلیلی و بزرگیهای شخصیتی دانشجویان دانشگاهها به هنگام ورود (رفتارهای ورودی)، ارزیابی نظام ارزشها، باورها، بازخوردها و نگرشهای ایشان نسبت به پدیده‌های مختلف و تبیین رفتارهای مطلوب و قابلیت‌های مورد انتظار از آنها به هنگام فراغت از تحصیل در زمینه‌های اخلاقی و فکری، توانمندی علمی و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی (رفتارهای خروجی)؛ امری است بسیار مهم و ارزشمند. بدیهی است که در همین ارتباط، بایسته آن است که مجموعه‌ی عوامل تأثیرگذار بر چگونگی شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان و اینک دانشجویان؛ مثل: خانواده و مدرسه (از مرحله‌ی پیش دبستانی تا دبیرستان)، رسانه‌ها و پدیده‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی، آموزشهای مذهبی، مسائل سیاسی، اقتصادی و امنیتی، محدودیت‌ها و تنگناها، نگرشهای حاکم بر جامعه و برنامه‌های آموزشی، تربیتی، مشاوره‌ای و فرهنگی و هنری تدارک دیده شده برای جوانان، مورد تأمل و بازنگری قرار گیرد.

همواره رفتارهای مطلوب مذهبی؛ از بستر بازخوردها، باورها و بینش مذهبی متبلور می‌گردد و این باورها و بینش‌ها (که از سالهای آغازین رشد و تحول

کودکان پدیدار می‌شوند)، آمیزه‌ای هستند از دریافتهای شناختی و تجارب احساسی. از این رو لازمه‌ی تغییر و اصلاح رفتارها؛ ایجاد تغییرات مطلوب در نظام باورها و بازخوردهاست و این امر نیز در گرو انجام تغییرات شناختی و همراه نمودن آن با احساسات خوشایند می‌باشد.

بنابراین آنچه از دانشگاه اسلامی انتظار می‌رود این است که مطلوب‌ترین زمینه‌ی رشد و تبلور رفتارهای مذهبی و شکوفایی استعدادهای علمی و نوآوریهای فکری دانشجویان را فراهم آورد.

با توجه به نقش پر اهمیت استادان در فرایند اسلامی کردن دانشگاهها، نظر حضرت عالی در خصوص این رکن اساسی تعلیم و تربیت شایسته چیست؟ مهمترین رکن از ارکان اصلی فرایند تعلیم و تربیت و به عبارتی «اسلامی کردن دانشگاهها»، مجموعه‌ی هیأت علمی و استادان است.

اگر دانشجویان با رفتارهای «ورودی و خروجی» مورد بحث «مجموعه‌ای متغیر» باشند، هیأت علمی دانشگاهها که در واقع ستونهای ساختار اصلی دانشگاه را تشکیل می‌دهند، «مجموعه‌ای نسبتاً ثابت و پایدار» هستند. چنانچه هر دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی، به طور متوسط چهار تا شش سال در دانشگاه حضور نیمه وقت داشته باشد، هر عضو هیأت علمی به طور میانگین سی سال حضور و خدمت تمام وقت در دانشگاه دارد. بنابراین رسالت اصلی تربیت فکری، علمی و اخلاقی و تقویت باورها و رفتارهای مذهبی و ارزشهای انقلابی دانشجویان، به گونه‌ی مستقیم یا غیر مستقیم، بر عهده‌ی استادان، در جایگاه الگوهای رفتاری برتر جامعه است.

بدیهی است که در این رهگذر بالاترین توفیق از آن استادانی خواهد بود که از بیشترین اقتدار علمی و مذهبی برخوردار باشند. به بیان دیگر، داشتن باورهای عمیق دینی و رفتارهای پایدار و متعالی مذهبی، پای‌بندی به ارزشهای اخلاقی و حسن سلوک استادان، همراه با برخورداری از اندیشه‌های ناب علمی، نوآوریهای

فکری و مهارت‌های ارتباطی، به کار بستن شیوه‌های مؤثر تدریس، داشتن انگیزه‌های مقدس خدمت مخلصانه به اسلام و مسلمانان و سرداری جبهه‌های فرهنگی و رهبری دانشجویان در طریق رسیدن به قله‌های رفیع علمی و فنی؛ اساسی‌ترین عناصر شخصیت‌های مقتدر علمی و مذهبی است و بایسته‌ترین شرایط استقرار در جایگاه و منزلت عالی هیأت علمی و پوشیدن کسوت مقدس استادی در دانشگاه جامعه‌ی اسلامی است.

بنابراین تردیدی نیست که در فرایند اسلامی کردن دانشگاهها؛ بیشترین ارزش به موقعیت و جایگاه استادان، (به عنوان پرچمداران نهضت اسلامی کردن دانشگاهها) داده می‌شود. استادان مقتدر علمی و مذهبی دانشگاهها، نه تنها می‌توانند بیشترین نقش را در هدایت فکری و تقویت رفتارهای مذهبی دانشجویان داشته باشند، بلکه در منزلت الگوهای مطلوب اجتماعی، قادرند راهنما و الگوی رفتاری مؤثری برای نسل جوان کشور باشند.

شایسته آن است که استادان دین باور، متعهد، عالم، اندیشمند و مؤدب دانشگاهها (که بیشترین مسؤولیت را در فرایند اسلامی شدن دانشگاهها برعهده دارند)، بیش از پیش مورد توجه و تکریم قرار گیرند. دانشگاه بدون استادان متعهد و عالم و پویا معنای چندانی نمی‌تواند داشته باشد. لذا تعظیم و تکریم شخصیت و ارتقای منزلت معنوی و اجتماعی استادان متعهد و متفکر و مقتدر دانشگاهها، زمینه‌ی همانند سازی هرچه بیشتر دانشجویان و جوانان کشور را با ایشان (در دین باوری، تبلور رفتارهای مذهبی و پویایی علمی) فراهم می‌کند.

یکی از مسائل مهم در امر اسلامی کردن دانشگاهها، مسأله‌ی محتوای برنامه‌های آموزشی ارائه شده در دانشگاههاست، لطفا در خصوص این مهم، نظرات خود را بفرمایید؟

محتوای برنامه‌های آموزشی، کتابها و منابع درسی به طور مستقیم یا غیر مستقیم؛ نقش قابل توجهی در شکل‌گیری اندیشه‌های دانشجویان دارد. از این رو

باید تلاش کرد که در ارائه‌ی محتوای برنامه‌های آموزشی، تألیف و یا ترجمه‌ی کتابهای درسی دانشگاهی، اصلی‌ترین و علمی‌ترین دستاوردهای تحقیقاتی در اختیار فراگیران قرار گیرد. به بیان دیگر، صرف ترجمه و عرضه‌ی برخی کتابهای منتشر شده در خارج از کشور، بدون تعمق چندان نسبت به علمی بودن آن، بعضاً می‌تواند با برداشت‌های ناروا همراه باشد.

در تهیه و تألیف و تدوین منابع درسی برای دانشجویان، در تمامی رشته‌های تحصیلی، پیش از هر اقدام دیگر؛ استادان متعهد و عالم دانشگاهها می‌بایست با اعتماد به نفس و خودباوری هر چه بیشتر، تلاش نمایند که یافته‌های تحقیقاتی و تجارب علمی خود را به رشته‌ی تحریر درآورند. بدیهی است که معرفی کتابهای اصیل علمی از منابع خارجی و یا به هنگام ضرورت، انتخاب بهترین آنها برای ترجمه (با عنایت به مبانی فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی اسلامی) می‌تواند مورد توجه باشد.

در زمینه‌ی تهیه‌ی منابع درسی برای دانشجویان، بیشترین دقت می‌بایست در قلمرو علوم انسانی، به ویژه رشته‌هایی همچون؛ علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی مبذول گردد. چرا که در این قبیل رشته‌ها، به خاطر متفاوت بودن با علوم محض، مثل؛ ریاضی و فیزیک، و فقدان یا کاستی قوانین و قواعد علمی مشخص و روشن، در بسیاری از موارد دیدگاهها و آرای شخصی مؤلف که گاه ممکن است مغایر با برخی اصول مشخص علمی و یا در تضاد با بعضی از ارزشهای فرهنگی جامعه‌ی اسلامی (که خود بر پایه‌ی منطق علمی استوار است) باشد، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در تدوین کتابها منعکس می‌شود. از این، رو در ترجمه‌ی این قبیل کتب و یا استفاده از آنها در تألیف کتابهای درسی، می‌بایست بیشترین دقت در تمیز مبانی علمی و دیدگاههای ارزشی صورت گیرد.

بدیهی است که ارزیابی چنین مواردی مستلزم همت و زحمت مداوم جمعی از استادان کارآزموده، حاذق و صبور است و این کار باید به صورت امری مستمر مورد توجه باشد. در هر حال همه‌ی تلاشها باید در این جهت باشد که علمی‌ترین،

پرمحتواترین و تازه‌ترین مطالب درسی برای دانشجویان ارائه گردد. بنابراین تدارک غنی‌ترین مطالب درسی برای دانشجویان، از اساسی‌ترین گامها در جهت اسلامی کردن دانشگاههاست. به هر جهت از دانشگاه اسلامی انتظار می‌رود با تلاش مستمر در تولید علم، همواره بر محتوای برنامه‌های آموزشی دانشگاه بیفزاید و همزمان با تهیه منابع مؤثر و مفید در زمینه تفکر و اندیشه‌ی اسلامی، بصورت عمومی و تخصصی و تنظیم برنامه‌های درسی؛ آموزش و تقویت مبانی فکری اسلامی و آموزشهای قرآنی را در سطوح مختلف و به زبان ساده و شیوه‌های مناسب فراهم سازد.

شرایط و موقعیت انتقال پیام، تأثیر قابل توجهی در فرایند یادگیری دارد. شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه به طور اعم و وضعیت عمومی دانشگاهها، موقعیت جغرافیایی، امکانات فرهنگی، تمهیدات رفاهی و تجهیزات آموزشی و آزمایشگاهی، هر یک به سهم خود در فرایند اسلامی کردن دانشگاهها تأثیر بسزایی دارند؛ لذا شایسته است به این قبیل عوامل مؤثر درون دانشگاهی و برون دانشگاهی، عنایت لازم را مبذول داشت. بدیهی است محیط آرام و به دور از تشنج و تلاطم دانشگاهها، زمینه‌ی تعلیم و تعلم و پژوهشهای بنیادی را بیشتر فراهم نموده و اساتید و دانشجویان بدون احساس ناامنی، با اعتماد به نفس و اطمینان خاطر و برخورداری از بینش‌های عمیق سیاسی - اجتماعی و حضور فعال در عرصه‌های مختلف فرهنگی، بهتر می‌توانند به رسالت‌های خطیر خود جامعه‌ی عمل پیوشانند. وجود مدیریت متدین، عالم و مقتدر، مدیر و مدبر در دانشگاهها نیز موقعیت دانشگاه را در تحقق بخشیدن به اهداف عالی‌ی آن مطلوبتر می‌نماید.

**بحث روشها در فرایند اسلامی کردن دانشگاهها، از جایگاه خاصی برخوردار است، لطفا در خصوص این محور نیز نظرات خود را بیان فرمایید.**

اتخاذ مؤثرترین روش برای انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب و ارتقای سطح علمی و فرهنگی مخاطبان، از مهمترین ارکان فرایند تعلیم و تربیت به طور اعم و اسلامی کردن دانشگاهها به طور اخص می باشد.

بسیاری از اوقات روشهای غیر مستقیم بیش از روشهای مستقیم مؤثر واقع می گردد. هرگاه انتقال پیام با احساسات خوشایند همراه گردد، یادگیری زودتر، بهتر و پایدارتر صورت می پذیرد.

توجه به نقاط مثبت شخصیت دانشجویان، تکیه و تأکید بر توانمندیهای فکری و فضیلت‌های اخلاقی ایشان، در برقراری ارتباط مؤثر و متقابل و انتقال پیامهای علمی فرهنگی، بیشترین تأثیر را دارد. پر واضح است که تأکید بر توانمندیهای دانشجویان و تقویت احساس خود ارزشمندی و اعتماد به نفس ایشان به توسط استادان، انگیزه‌ی تلاش علمی و فرهنگی آنها را قوی تر می نماید. حال آنکه انتقادهای مستمر و انگشت گذاشتن دائم بر ضعفها و نارساییهای احتمالی، فرایند ارتباط متقابل و مؤثرتر میان دانشجویان و اساتید و کارگزاران فرهنگی را تضعیف و فرایند اسلامی کردن دانشگاهها را خدشه دار می کند. پس می بایست همه‌ی روشهای مؤثر برای نزدیکی و ارتباط هرچه بیشتر دانشجویان با استادان و دانشگاهیان با کارگزاران نظام اسلامی را به کار گرفت. زیرا هر قدر که فاصله‌ی روانی، فکری، اجتماعی و سیاسی میان جوانان به طور عام ودانشجویان به طور خاص با کارگزاران و مسؤولان جامعه کمتر باشد، زمینه‌ی آسیب پذیری فرهنگی بیشتر می شود. لاجرم باید بیش از پیش بر روشهای کارآمد، اثر بخش و خوشایند ارتباط، تأکید نمود.

از جناب عالی به خاطر فرصتی که در اختیار ما قرار دادید تشکر می کنیم.

من هم از فصلنامه و دست‌اندر کاران آن تشکر می کنم و امیدوارم این دانشگاه مطلوب با همیاری و همفکری صاحب نظران هر چه زودتر تحقق یابد.

ان شاء الله